

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

شهر خلاق:

اصالت مفهومی - عملکردی در هویت مکانی و تمدن ایران، بازخوانی معاصر در غرب

رعنا شیخ بیگلر^۱

چکیده

مکان، تجلی گاه باورها، اندیشه‌ها، هویت و فرهنگ انسانی است. تفاوت در معنا و کارکرد مکان‌های شهری به هویت و کنش مکانی ساکنان آن جهت می‌دهد. تمدن‌ها و مکاتب مختلف فکری و فلسفی در جهان، رویکردهای متفاوتی نسبت به مقوله‌ی شهر داشته‌اند. شهرها گهواره‌های خلاقیت هستند و طی چند دهه‌ی گذشته ایده‌ی شهر خلاق به عنوان یک رویکرد نسبتاً جدید برای حل مسائل شهری در ابعاد و جنبه‌های مختلف از سوی نظریه‌پردازان غربی مطرح شد؛ حال آن که زمینه‌های غنی و عملکردی این ایده صدها سال قبل در سرزمین ایران در بطن تمدنی کهن و عظیم به منصفی بروز و ظهور رسیده است. سرزمین ایران در قرون متمادی جایگاه ویژه و نقش مؤثری در تاریخ تمدن جهان داشته است به طوری که قریحه‌ی نیرومند و ایده‌های ارزشمند متفکران، صنعتگران و هنرمندان این سرزمین، جریان تمدن را تغییر داده، موجب اعتلای افکار بشر گردیده و خدمت ارزنده‌ای به حیات فرهنگی جهان نموده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که ضمن تبیین ویژگی‌ها و ابعاد مختلف شهر خلاق از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی، به بررسی اصالت مفهومی و عملکردی آن در هویت مکانی و تمدن ایران پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که به رغم بازخوانی و ارائه‌ی اصطلاح «شهر خلاق» در دوران معاصر از سوی جهان غرب، می‌توان سرزمین ایران را یکی از مصادیق قوی و اصلی برای تجلی واقعی و عملکردی این ایده نه در مقیاس محدود شهر، بلکه فراتر از آن در مقیاسی عظیم به صورت «تمدن خلاق» آن هم در گذشته‌های بسیار دور برشمرد.

واژه‌های کلیدی: تمدن، مکان، شهر خلاق، تمدن خلاق، هویت مکانی، ایران

۱- مقدمه

مکان، کانون علم جغرافیا و هویت، تجلی فرهنگ در مکان است. انسان با توجه به مجموعه باورها، اندیشه‌ها و کنش‌هایش، منشأ معنادهی و هویت‌سازی برای مکان به شمار می‌رود. پیدایش مکان برآیند تعامل محیط پدیداری و محیط واقعی در قالب برهم کنشی بنیادهای زیستی و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیک و دستیابی به منابع قدرت و تصمیم در قالب سرمایه، رسانه و مدیریت است. عوامل مؤثر در پراکنش این تعاملات و قالب‌ها به ساختارهای متفاوت و تمایزات مکانی می‌انجامد. تمایزات مکانی با پیدایش طبقات اجتماعی، توزیع فقر و غنا، هویت‌های مکانی و تمایزات کارکردی همراه است. شهرها جذاب‌ترین محدوده‌ی مطالعه‌ی تنوع مکانی هستند. تفاوت در معنا و کارکرد مکان‌های شهری به هویت و کنش مکانی ساکنان آن

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جهت می‌دهد. برخی از شهرها به ویژه پایتخت‌ها به واسطه‌ی نقشی که در تحولات ملی و گاه جهانی داشته‌اند در جهت گیری رویکردها و نگرش‌های ملی از جایگاه کانونی برخوردار هستند (کاویانی راد و عزیزی کاوه، ۱۳۹۰، ۱۵۲).

در ادبیات علوم انسانی اغلب مفهوم «شهر» با مفهوم «تمدن» یکی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین «شهر» را نوعی خاص از سازمان‌یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می‌کنند که برای آن می‌توان مؤلفه‌های مشخصی مانند نوع زیستگاه، نوع معیشت، نوع مدیریت سیاسی، نوع تقسیم فضا و نوع فرهنگ و روابط انسانی بیان کرد. شهر زیستگاهی انسان‌ساخت است و تحت یک قدرت سیاسی مشخص که تمرکز جمعیتی نسبتاً پایدار را در خود دارد و فرهنگی خاص را پدید می‌آورد که حاصل از روابط درونی آن است و خرده‌فرهنگ‌های بی‌شماری را حمل می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳). شهرها مرکز ثروت ملل هستند. در قرن حاضر، ماهیت تولید ثروت و توسعه تغییر کرده و زیربنای آن، ایده و تبدیل آن به تولید و خدمات است. از سوی دیگر با روند جهانی شدن و به وجود آمدن فرهنگی واحد و تضعیف فرهنگ بومی ملل، نیاز به تنوع فرهنگی به شدت احساس می‌گردد. شهرهای خلاق، پاسخی به نیازهای استفاده از ایده و خلاقیت ساکنین برای توسعه در ابعاد مختلف و توجه به فرهنگ و توسعه فرهنگی می‌باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲). حرکت به سمت ایجاد و تحقق شهر خلاق به دلایل جایگاه شهر به عنوان محل شکل‌گیری بسترهای جامعه دانایی، اهمیت و محور بودن شهرها در توسعه اقتصادی جایگاه و اهمیت شهر به عنوان یکی از الزامات اساسی تشکیل خوشه‌های علم و فناوری و نقش و جایگاه شهرها در جذب، استفاده و حفظ سرمایه‌های انسانی خلاق (طبقه‌ی خلاق)، بسیار ضروری و مهم است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۶۰). مکاتب دینی و فلسفی موجود در دنیا در طول پیدایش و تکامل خود، با محل زیست انسان و بالاخص شهر برخوردهای متفاوتی داشته و هر کدام از آنها شرایط و ویژگی‌های خاصی را برای جایگاه زندگی انسان و ابعاد و خصوصیات مختلف آن تبیین نموده‌اند (علیمردانی، ۱۳۸۵، ۹۸).

از نظر «چارلز لندری» شهرها نیاز به خلاقیت دارند نه صرفاً به منظور دستیابی به رقابت در صنایع با ارزش افزوده جدید، بلکه برای حل مسائل اجتماعی؛ به بیان دیگر وی خواهان یک دیدگاه خلاق برای حل مسائل شهری در ابعاد و جنبه‌های مختلف است نه این که خلاقیت منحصر و محدود به عرصه‌های هنر، صنایع خلاق و طراحی گردد (Coletta, 2008). در کتاب شهرهای خلاق که توسط «چارلز لندری» و «فرانکو بیانچینی» در سال ۱۹۹۵ منتشر شده است، مفهوم شهرهای خلاق به عنوان عکس‌العملی در مقابل مسائل شهری در مواجهه با بحران شهری بین‌المللی که در مرحله‌ی گذار به فرا صنعتی و اقتصاد جهانی رخ داده است، در نظر گرفته شده است (Simeti, 2006). مارکوزن نیز بر اهمیت نقشی که هنرمندان در شهرهای خلاق در سطوح مختلف مخصوصاً اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایفا می‌کنند، تأکید می‌ورزد. وی نشان می‌دهد شهرهایی که هنرمندان در آنها حضور دارند مصرف فرهنگی در منطقه افزایش می‌یابد و

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

هنگامی که این امتیاز با امتیازاتی چون وجود صنایع پزشکی و دارویی ترکیب می‌شود، باعث توقف روند مهاجرتی در این شهرها می‌شود. این فرآیند به احیای شهری در نواحی فرسوده کمک می‌کند و محیط اجتماعی را نیز بهبود می‌بخشد و هم چنین به رفع مشکلات موجود در نواحی کم درآمد کمک می‌کند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵).

پژوهش حاضر ضمن بررسی اجمالی از سابقه‌ی تمدنی و هویت مکانی ایران، به تبیین ابعاد مختلف مفهوم «شهر خلاق» پرداخته و شرایط ایران را در تجلی این ایده در دوره‌های گذشته مطالعه نموده است.

۲- مروری بر سابقه‌ی تمدنی در ایران

گروهی از دانشمندان «تمدن» را پدیده‌ی درهم تنیده‌ای از رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی و هنری می‌دانند (لوکاس، ۱۳۸۲). از نظر هانتینگتون، «تمدن» گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی است (هانتینگتون، ۱۳۸۱). «ویل دورانت» از «تمدن» به عنوان نظامی اجتماعی یاد می‌کند که خلاقیت فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد (پارسیان، ۱۳۸۸؛ بنی‌سلیم، ۱۳۸۷، ۱۱). هزاره‌ی سوم ق.م. شاهد رشد و شکوفایی تمدن‌های شهرنشین بسیاری در نقاط مختلف از جمله در بین‌النهرین، دره هند، آسیای میانه، فلات مرکزی ایران، جنوب شرق ایران، آسیای صغیر و مصر بوده است که ارتباط تنگاتنگ این جوامع، آنها را تا حدودی به یکدیگر وابسته ساخته بود (مرتضوی، ۱۳۸۹، ۱۱۶-۱۱۵). موقعیت مکانی خاص ایران به صورت حلقه‌ی اتصال سه قاره‌ی آفریقا، آسیا و اروپا، و همچنین دسترسی به آبهای آزاد نقش مهم و کلیدی در واسطه‌گری شرق و غرب داشته و البته خود به این طریق آموزش‌های فرهنگی بسیاری هم دیده است. از این رو، در گذشته ایران را به دلیل قرار گرفتن در مسیر تلاقی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، ناف زمین می‌خواندند (بنی‌سلیم، ۱۳۸۷، ۱۴).

وجود حکومت‌های قدرتمند در تاریخ ایران و لشکرکشی‌هایی که توسط این حکومت‌ها برای گسترش مرزها و محدوده‌های جغرافیایی صورت گرفتند، زمینه‌ی تسلط فرهنگ ایرانی در مناطق تصرف شده را فراهم ساختند. آثار سیطره و حاکمیت فرهنگ ایرانی را می‌توان در زبان، تاریخ، ادبیات، آئین‌ها و جشن‌های مردمان سرزمین‌های تصرف شده مشاهده نمود. از این روست که می‌توان ادعا نمود گستره‌ی فرهنگی ایران از آسیای میانه تا قفقاز در شمال، پاکستان، افغانستان و چین در شرق، عراق، ترکیه و سوریه در غرب و منطقه‌ی خلیج فارس و شبه قاره‌ی هند را در جنوب دربرمی‌گیرد؛ این امر می‌تواند در زمان حاضر، با توجه به تحولات جدید در عرصه‌ی بین‌الملل و اهمیت یافتن نقش فرهنگ در روابط میان کشورها و تعاملات با ملت‌ها، زمینه‌ساز دستیابی ایران به مرکزیت فرهنگی و تمدنی در گستره‌ی ژئوکالچر خود باشد (اخوان کاظمی و عزیز، ۱۳۸۹، ۷۴). ایران از گذشته تا به حال به عنوان یکی از تأثیرگذارترین کشورهای جهان بوده و هست؛ امروزه نیز قطب خاورمیانه محسوب می‌شود. از نظر اقتصادی، ایران یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان انرژی در جهان با منابع زیرزمینی و ذخایر بسیار غنی آهن، مس، قلع، سرب، نفت، ذغال‌سنگ، طلا، سنگ‌های قیمتی و ...

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

است؛ با این وجود، در عصر گفتمان فرهنگ‌ها، سخن گفتن در باب جوهره‌ی ملت‌ها امری ضروری است. در این راستا، صاحب‌نظران ضمن اذعان به خلاقیت ذاتی و روحیه‌ی کنجکاوی ایرانیان، موارد زیر را از ویژگی‌های تمدن ایران دانسته‌اند: پیوستگی، جاذبه و دافعه، نوگرایی همراه با تلفیق و تطبیق، روحیات اخلاقی و مذهبی، اطلاعات از حاکمیت، و مشترکات اجتماعی (بنی‌سلیم، ۱۳۸۷).

علاوه بر نقش کلی ایران در منطقه، موقعیت برخی مناطق کشور نیز از جهات مختلف برای رشد و تعالی در ابعاد متعدد تمدنی و فرهنگی درخور توجه است. از جمله ناحیه‌ی خراسان بزرگ که به دلیل موقعیت خاص و ممتاز، از جهات عدیده‌ای نظیر برخورداری از سنت‌های ریشه‌دار و علایق فرهنگی، قرار گرفتن در مسیر بازرگانی و تولید ثروت، ارتباط با فرهنگ‌های چین و هند و ...، وقوع رخدادهای سرنوشت‌ساز، تجمع فقیهان و دانشوران در برخی دوره‌های تاریخی در این سرزمین پهناور حائز اهمیت است؛ این منطقه همچنین در پی‌ریزی اساس فرهنگ و تمدن ایران اسلامی یا نوزایی فرهنگی در سده‌های سوم و چهارم هجری نقش بسزایی داشته است. نمونه‌ی دیگر، بین‌النهرین جلوه‌گاه فرهنگ و تمدن ایران بود. حتی در مقاطعی، تمدن ایران همراه با کوچ‌های پی در پی تا مصر نیز کشیده شد. هر چند خاورشناسان غربی چون نتوانسته‌اند اصالت فرهنگی و تمدنی برای مردم بومی مصر قائل شوند و از سوی دیگر نمی‌خواهند مسیر تمدن از ایران به مصر را بپذیرند، حدس‌های گنگ و نامفهومی را مطرح ساخته‌اند و از اذعان به وسعت مرزهای تمدنی ایران ابا کرده‌اند (همان، ۱۵).

۳- مفهوم هویت مکانی

هویت، آن بخشی از عناصر اصلی شخصیت انسان است که به دنبال عینیت پیدا کردن آن، فرد قادر می‌شود موضع خود را در برخورد با جهان و دیگران و خویشتن مشخص نماید (اشرفی، ۱۳۸۷، ۱۰۷). مکان، سازنده‌ی بخشی از شخصیت و هویت افراد است که خود را با آن می‌شناسند و به دیگران می‌شناسانند؛ آنگاه که درباره‌ی خود می‌اندیشند خود را وابسته به آن مکان می‌دانند و آن مکان را بخشی از خود می‌انگارند و با آن روابط عمیقی برقرار میکنند. پس هویت مکانی بخشی از زیربنای هویت انسان و برآیند شناخت او درباره‌ی جهانی است که در آن می‌زید. مکان‌ها متناسب با کارکردهای تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و ... که داشته‌اند برانگیزاننده‌ی هویت و در نتیجه حس مکانی متفاوتی در میان افراد و گروه‌های مختلف جامعه هستند (کاویانی راد و عزیزی کاوه، ۱۳۹۰، ۱۵۶-۱۵۵).

فرهنگ و محیط، هویت‌ساز زندگی انسان می‌باشند، به نحوی که هرکدام نقش اساسی در تشکیل هویت بر عهده دارند؛ از دیگر سو می‌توان دید که فصل مشترک هویت انسانی محیط و هویت فرهنگی انسان، هویت محیط را تشکیل می‌دهد (سلسله و سلسله، ۱۳۸۸، ۴۹). وجوه فرهنگی در معماری و شهرسازی، موجد کیفیتی در محیط است که بیانگر وجهی از هویت جامعه واجد آن فرهنگ (به عنوان ایجاد کننده‌ی آن کالبد و فضای خاص) می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۶، ۳۳۰). در واقع، هویت محیط مصنوع بیانگر ارزش‌هایی است که

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جامعه به متصل بودن به آن تمایل داشته و خویش را در صورت واجد بودن و رعایت آن ارزشها، در مسیر کمال و ترقی می‌پندارد (سلسله و سلسله، ۱۳۸۸، ۵۲). در تعریف هویت محیط مصنوع، راپاپورت هویت را خصوصیتی از محیط که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عنصر دیگر فراهم می‌آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می‌سازد، تعریف می‌کند (بنتلی، ۱۳۸۲، ۹۸). الکساندر معتقد است که بین فرد و محیط زندگی‌اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد، مگر آن که قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد، توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر را نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورت، پاسخ مناسبی به کنش‌های انجام یافته در آن محیط بدهد (سلسله و سلسله، ۱۳۸۸، ۵۳).

۴- هویت مکانی سرزمینی ایران

بستگی مکانی هر شخص، بخشی از هویت اوست (رادفر، ۱۳۸۸، ۴۳)؛ از طرفی نوع اندیشیدن، دین و مذهب، اخلاقیات و در نهایت، اجتماعات که خود برآیند عناصر مذکور است، در شکل‌دهی هویت گروهی نقش اساسی دارد (همان، ۴۶). هویت مکانی، احساسی در فرد یا جمع است که به واسطه‌ی ارتباط با مکان برانگیخته می‌شود و به عبارتی، تجلی فرهنگ در مکان است. در واقع، مکان جای خاصی است در سطح زمین که بر عکس واژه‌ی موقعیت، مفهوم مجرد نداشته، بلکه محدوده‌ای است با هویت و قابلیت شناسایی که ارزش‌های ویژه و معینی را با خود به همراه دارد. هویت مکانی با حافظه‌ی تاریخی طبیعی مکان‌ها به شدت در ارتباط است، اگر چه ممکن است عوامل فرهنگی در ایجاد هویت جوامع دخیل باشند، اما نام سرزمین را نباید نادیده گرفت و ایران یعنی مکان یا سرزمینی که مردمی، خود را متعلق به آن می‌دانند (محمودی، ۱۳۹۳، ۸۳). در حال حاضر که هویت‌های ملی خودبخود و ناخواسته در حال تضعیف هستند و همه‌ی کشورها به اجبار به سوی سیاستگذاری جهانی‌سازی قدرت‌های بزرگ جهان گام برمی‌دارند، حفظ هویت بسیار الزامی است (رادفر، ۱۳۸۸، ۳۷).

شناخت عوامل مؤثر بر ثبات، پایداری و همگرایی هسته‌ی مدنی ایران از جمله مسائل مهمی است که کمک زیادی به امنیت ملی و پایداری تمدن اسلامی خواهد داشت (محمودی، ۱۳۹۳، ۸۹). ایران سرزمین متکثری است که تنوع و تفاوت‌های سرزمینی، فرهنگی و هویتی آن از جمله ویژگی‌های بارز و شاخص آن به شمار می‌رود. با این وجود، در ادوار تاریخی همواره با همه‌ی قبض و بسط‌های مقطعی، همگرایی خود را تحت عنوان یک واحد فرهنگی تعریف شده حفظ نموده، به طوری که برای این سرزمین تاریخ استقلالی مانند دیگر کشورهای منطقه، مکتوب و منظور نشده است (همان، ۷۹). ایران به عنوان چهارراه ارتباطی تمدن‌های بزرگ جهان، از هند و چین گرفته تا بین‌النهرین و مصر و یونان همیشه و همواره مورد توجه خاورشناسان و محققان جهانی بوده و هست (رادفر، ۱۳۸۸، ۳۸). بی‌تردید، ایران در تاریخ تمدن جهان و در قرون متمادی، تأثیر بسیار زیادی داشته به طوری که در میان سایر ملل، نیروی مولد و حیاتی ایجاد کرده

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

است. قریحه‌ی نیرومند و هوش فوق‌العاده‌ی متفکران، شاعران و هنرمندان این سرزمین، جریان تمدن را تغییر داده، موجب اعتلای افکار بشر گردیده و خدمت ارزنده‌ای به حیات فرهنگی جهان نموده است (موسوی حجازی و پورجعفر، ۱۳۸۱، ۵).

۵- مفهوم شهر خلاق

«پیتر هال» این طور استدلال می‌کند که شهرها گهواره‌های خلاقیت هستند و این که این مسأله درباره‌ی انواع بسیار متفاوت از خلاقیت از قبیل خلاقیت فرهنگی، هنری، تکنولوژی و سازمانی همچنین ترکیبی از آنها صدق می‌کند؛ برای مثال وقتی خلاقیت‌های تکنولوژیک و هنری در زمینه‌های صنعت سینما، موسیقی ضبط شده، تلویزیون و چند رسانه‌ای‌ها ترکیب می‌شوند. این طور به نظر می‌رسد که چیزهایی که خلاقیت هنری و فرهنگی را شکل می‌دهند تا حدود زیادی همان‌هایی هستند که خلاق بودن تکنولوژیک را شکل می‌دهند (موسوی، ۱۳۹۳، ۲۴). [اصطلاح] فضاهای خلاق^۱ در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در اروپا و آمریکا پدید آمد. این فضاها توسط افراد متخصصی ایجاد شد که کارخانه‌ها و انبارهای خالی و متروکه را در محدوده‌ها و مناطق صنعتی رو به زوال با اجاره‌بهای اندک و کنترل‌های ضعیف دولتی فعال نمودند (Evans, 2009). از نظر Zielke و Waibel (۲۰۱۴) فضاهای خلاق، نواحی صنعتی یا سایت‌های کارخانه‌ای متروکی هستند که مجدداً احیا و فعال می‌شوند و شامل متخصصان، گالری‌ها و کمپانی‌های طراحی نیز هستند. البته باید خاطرنشان نمود که در بسیاری موارد فضاهای فانتزی گذران اوقات فراغت یا ساخت و سازهای رو به دریا به هدف تصویرسازی شهری به راحتی تحت عنوان «فضاهای خلاق» نامیده می‌شوند.

شهرهای خلاق، مکانی جذاب برای کار کردن و زندگی شهروندان خود بخصوص برای نسل جوان، مکانی جذاب برای گردشگران، توانمند در شکوفایی بخش‌های مختلف اقتصادی نوظهور (خوشه‌ها و مراکز تحقیقاتی به ویژه در زمینه‌ی فناوری برتر) هستند (مختاری ملک‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۰۵). شهر خلاق جایی است که احترام هنر، به دلیل اهمیت زیبایی‌شناختی آن و تواناییش برای پرورش قوه ادراک و ارتباطات است؛ جایی که تنوع فرهنگی غنیمت شمرده شده و بیان خلاقیت به هر شکلی مورد تشویق قرار می‌گیرد، افراد می‌توانند در زندگی روزمره خود از فعالیت‌های خلاق بهره ببرند، هنرها به عنوان یکی از ضرورت‌های آموزشی مطرح هستند و خلاقیت به عنوان مهارتی قیمتی در عصر اطلاعات شناخته می‌شود و هنرها نه تنها به دلیل نقش مهمشان در اقتصاد بلکه به دلیل منافع روحی، عقلانی و اجتماعی خود با ارزش محسوب می‌شوند (داکسیری، ۱۳۸۹، ۷۶).

به نظر می‌رسد شهر خلاق با بخش‌های هنری که شهرها را زنده و پویا می‌سازند و به آنها ارزش واقعی می‌بخشد مثل هنر گردشگری یا رخدادهای هنری، تلاش برای تحت کنترل درآوردن اثر اقتصادی هنر و

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ایجاد شهرتی بین‌المللی برای شهر، جذب افرادی که طبقه‌ی خلاق خوانده می‌شود، استفاده از هنر برای نمایش تنوع و ساخت درک بین مردم، ایجاد اقتصاد و صنایع خلاق، به رسمیت شناختن خلاقیت به عنوان یک پیشرو برای نوآوری و حتی اتخاذ یک رویکرد خلاق برای حل مسائل مدنی، در ارتباط است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸-۷).

ارتباط بین خلاقیت و سطح توسعه شهری، شناخت نقش و اهمیت توسعه سرزمینی و افزایش قدرت رقابت از طریق جذب طبقه خلاق منجر به ظهور دیدگاه‌های متنوعی در این زمینه شده است (Costa et al., 2009). فلسفه شهر خلاق این است که همیشه در یک مکان پتانسیل‌های خلاق وجود دارد. باید شرایط به گونه‌ای باشد، که مردم فکر کنند برنامه‌ریزی نمایند و در استفاده از فرصت‌های به وجود آمده، ابتکار عمل داشته باشند. هم‌چنین مردم بتوانند مسائل شهری مهار نشدنی را اداره کند. این امر می‌تواند از اداره افراد بی‌خانمان تا ایجاد ارزش یا ترقی محیط بصری باشد. فرض شهر خلاق بر این است که مردم می‌توانند شرایط فوق‌العاده‌ای را ایجاد کنند. شهر خلاق باید به زیرساخت‌های خلاق نیز دسترسی داشته باشد. زیرساخت‌های خلاق محدود به مواردی چون شبکه راه‌ها، فاضلاب، ساختمان و ... نیست؛ بلکه، ترکیبی از سخت‌افزار و نرم‌افزار است. نرم‌افزارهای شهر خلاق شامل نیروی کار ماهر و انعطاف پذیر، متفکران پویا، خالقان آثار و مجریان می‌باشد. خلاقیت نه تنها داشتن ایده است بلکه ظرفیت کاربرد این ایده‌ها نیز هست. شهر خلاق، استعدادها را شناسایی، پرورش و جذب می‌کند و امکان تداوم آن را نیز فراهم می‌سازد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸-۷).

حفظ و جذب شهروندان پویا، سرمایه‌گذاری و اشتغال، بهبود کیفیت مکان از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و امکانات در محله‌های کمتر توسعه یافته و یا در مناطق با تمرکز بالا، منجر به حرکت به سمت تحقق شهر خلاق و پویا می‌گردد (موسوی، ۱۳۹۳، ۲۴؛ Duxbury, 2004). در این گونه شهرها با تأکید بر نخبگان و متخصصین برنامه‌ریزی شهری، مدیریت شهری، شهرسازان و سایر علوم مربوطه، شهرها تبدیل به مکان جذاب برای مطالعه، محل کار و حفظ نخبگان شهر می‌گردد و با بهبود کیفیت دانشگاه‌ها و مراکز علمی، کیفیت کار، کیفیت زندگی، سطح تحمل و شیوه زندگی می‌توان در این مسیر حرکت کرد (Healey, 2004, 95).

۶- اهمیت و ضرورت بازخوانی مفهوم شهر خلاق

شهر خلاق به عنوان یک روش راهبردی در عرصه‌ی تفکر، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری مطرح شده است. با توجه به تغییرات بسیار عمیقی که در محیط‌های شهری در حال وقوع است، خلاقیت مسؤولان، صاحبان مشاغل و شهروندان عامل حیاتی در حل بسیاری از مسائل شهری به شمار می‌رود (مختاری-ملک-آبادی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۰۶). ارتقای کیفیت زندگی با توسعه‌ی فضاهای عمومی و جمعی به عنوان بستر شهر خلاق حاصل می‌شود؛ زیرا فضاهای عمومی با درگیر کردن مفاهیمی چون مشارکت، تنوع، سرزندگی،

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جذابیت، ارزش اقتصادی و هویت بخشی به عنوان موتور محرکه شهر خلاق عمل می کند؛ بنابراین توجه به فضای عمومی نیازمند مدیریت شهری خلاق است تا از تخریب فضاهای عمومی شهر جلوگیری کند و باعث افزایش خلاقیت در ساکنین گردد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۱؛ موسوی، ۱۳۹۳، ۲۲).

از نظر «هاوکینز» دوره فرا صنعتی و اقتصاد خلاق، گذر از ایده ها و اظهار خلاقیت به تولیدات با ارزش تجاری است. اقتصاد خلاق به وسیله مجموعه ای از صنایع که تولید کننده و داد و ستد کننده دارایی های فکری هستند، مثل صنایع کپی رایت، صنایع انحصاری، صنایع دارای علامت تجاری و صنایع طراحی تعریف می شوند. صنایع خلاق شامل تحقیق و توسعه، نشر، نرم افزار، تلویزیون، طراحی، موسیقی، فیلم، اسباب-بازی ها و بازی ها، تبلیغات، معماری، هنرهای اجرایی، مشاغل، بازی های ویدئویی، مد، و هنر می باشد. وی پیشنهاد می کند که راه جدیدی برای رشد صنایع این اقتصاد لازم است. زیرا، بر خلاف نظریه اقتصاد مدرن با منابع محدود و قیمت رقابتی، اقتصاد خلاق بر منابع نامحدود ایده ها تکیه دارد. مدل هاوکینز برای واکنش های خلاق به این تغییر بر خصیصه های انسانی ایده ها، استعداد و یادگیری بیش از تمرکز سنتی بر داده ها و سرمایه ها برای موفقیت اقتصادی استوار است (Simeti, 2006, 13).

خلاقیت افرادی که در شهرها زندگی می کنند یا مدیریت شهری را بر عهده دارند، متضمن موفقیت آن شهر در دنیای آینده است (شهبان و رهگذر، ۱۳۹۱، ۶۷). شهرهای موفق از نظر اقتصادی باید سه ویژگی استعداد، فناوری و بردباری را با هم داشته باشند. این سه شاخص برندگان در عصر خلاق را تعریف می کنند. یک شهر نه تنها باید فناوری و سخت افزار را داشته باشد؛ بلکه، باید نرم افزارها یعنی استعداد را نیز داشته باشد. در اقتصاد خلاق، شهرها نیاز به جو سالم کسب و کار و هم چنین جوی مناسب برای افراد پر جنب و جوش دارد. از نظر اقتصادی جذاب ترین شهرهای امروز و برندگان فردا، آن دسته از نواحی شهری هستند که این سه ویژگی را با هم ترکیب کرده اند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۴-۵). بسیاری از شهرداری ها در حال برنامه ریزی و یا اقدام برای اصلاح دیدگاه و تغییر جایگاه جامعه خود در زمینه روندهای اقتصادی و اجتماعی هستند. به طور کلی به نظر می رسد چهار سناریو یا رویکرد نوآورانه به این موضوع وجود دارد؛ این رویکردها عبارتند از (۱) شهر نوآوری دانش (۲) توسعه اقتصادی نیچه، (۳) توسعه جامع محلی / اقتصاد با یک مؤلفه فرهنگی و (۴) شهر خلاق (داکسبری، ۱۳۸۹، ۷۸). از این رو، تعداد زیادی از شهرها برای حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان و همچنین تبدیل شدن به شهر خلاق، ابراز تمایل کرده اند. در جامعه علمی، ایده های مختلفی پدیدار شد و توسعه یافت که به تحلیل اقتصادهای فرهنگی و خلاق (Cunningham, 2002)، طبقه خلاق (Florida, 2002)، شهر خلاق (Hall, 2000) و همینطور، فضاهای فرهنگی و خلاق (Evans, 2009) پرداخته اند.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بسیاری از سیاستمداران در جهان خلاقیت را به عنوان «گلوله‌ی سحرآمیز» برای توسعه‌ی اقتصادی و ایجاد مشاغل جدید با کمترین یا بدون سرمایه‌گذاری از بودجه‌های عمومی قلمداد می‌کنند (Zielke and Waibel, 2014, 100). در سال ۱۹۹۸، بریتانیا در بخش مشاغل جدید، پرداخت سوبسید به صنایع خلاق را به دلیل پتانسیل آنها برای تولید ثروت و ایجاد اشتغال آغاز کرد (Rossiter, 2006: 367; Zielke and Waibel, 2014, 100). در کانادا نیز تلاش‌های آگاهانه برای تبدیل شدن به یک شهر خلاق را بیشتر کارکنان فرهنگی شهری و جوامع فرهنگی در شهرداری هدایت می‌کنند. این رویکرد به روشنی در شهرهای ونکوور، تورنتو، اوتاوا و هالیفاکس نیز دیده می‌شود. رویکرد شهر خلاق، به ویژه در وارد کردن صریح هنر و میراث در طرح‌های آینده و چشم‌انداز عمومی برای شهر، با سایر موارد پیش گفته تفاوت دارد. اشاره به این نکته مهم است، ضمن آنکه الهام‌بخش تلاش‌ها و هدایتگر آنها چشم‌انداز بلندپروازانه‌ی شهر خلاق است اما فعالیت‌ها برای تحقق این چشم‌انداز گام به گام هستند. نکته در اینجا است که ضمن بهره‌گیری از فرصت‌هایی که به دست می‌آیند، به چالش‌های میان مدت پرداخته شود (داکسبری، ۱۳۸۹، ۷۹).

۷- بُن‌مایه‌های شهر و تمدن خلاق در ایران با تأکید بر سابقه‌ی تکنولوژی، هنر و صنعت

نتایج آثار و تحقیقات خاورشناسان در زمینه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، ادبی و هنری در ارتباط با ایران، گویای این واقعیت است که کشور ایران از گذشته‌های دور تا سده‌های اخیر همواره مهد فرهنگ و تمدن، و یکی از چند تمدن محدود جهان باستان بوده است. به بیان «هرتسفلد» ایران مرکز تمدن ماقبل تاریخ بوده و به شهادت باستان‌شناسان و محققانی که در این زمینه کاوش کرده‌اند، ایران در دوره‌های قدیم و پیش از دوره‌ی هخامنشیان، آغاز به کار آفرینش هنری و صنعتی کرده است (رادفر، ۱۳۸۸، ۳۷). تکنولوژی در ایران زمین از پیشینه‌ترین دوران تمدن انسانی پایه‌ریزی شده و در طی هزاران سال سیر تکاملی خویش را پیموده است. مهندسی در ایران در قالب اختراعات، تئوری‌های علمی و فنی و ساخته‌ها و مصنوعات و اکتشافات نه تنها زیربنای تمدن ایران را تشکیل داده بلکه همواره در طول تاریخ فرهنگ‌های دیگر را نیز بهره‌مند ساخته است. نقش تمدن فنی ایران در شکل و تکامل تمدن جهانی بنیادی است (فرشاد، ۱۳۹۳، ۱).

از ویژگی‌های مهندسی و صنعتگران ایرانی نوعی هماهنگی و یکتائی است که همواره در عقاید فنی و پدیده‌های مهندسی وجود داشته است. در نظر ایرانیان بین وجودها هیچ گاه جدایی وجود نداشته و تمام پدیده‌ها و موجودیت‌ها به نحوی با یکدیگر مرتبط بوده و جزئی از یک تصویر کلی به شمار می‌رفته‌اند. این نقطه نظر در ایران در قبل از اسلام نیز وجود داشت و در فرهنگ اسلامی ابعاد دیگری به خود گرفته است؛ اعتقاداتی از این قبیل در تاریخ مهندسی در ایران همیشه پندارهای مهندسی و صاحبان فن و مصنوعات آنها را تحت تأثیر قرار داده است. نتیجه‌ی این روند فکری آن بوده است که محصولات فنی منعکس کننده‌ی پندارهای فلسفه‌ی مردمان گردند و با دنیای اطراف و با سایر موجودیت‌ها نیز هماهنگ و همساز باشند. بر خصوصیات مهندسی و صنعتگران ایرانی نکات زیر را باید افزود: با آن که در دنیای باستان، کارها و ساخته-

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

های فنی مستقیماً از اندیشه‌های تئوریک مایه نمی‌گرفته است، با این حال، به انجام رسیدن آثاری مانند تخت جمشید، طاق کسری و ابداعاتی مانند گنبد‌ها و طاق‌های ایرانی و فرم‌های خrpائی و ماشین‌های آبی و بادی و بسیاری مثال‌های دیگر، نشان دهنده‌ی درک مکانیکی مهندسیین و سازندگان ایرانی است. همچنین، انجام پروژه‌های بزرگ مهندسی چون کانال سوئز، راه شاهی و ساختمان‌های بزرگ همگی حکایت‌کننده‌ی قدرت سازمان‌دهی مدیران ایرانی در دوره‌های قدیم هستند. با وجود این خصوصیات منحصر بفرد، ایرانیان و مهندسان ایرانی قدیم هیچ‌گاه به عقاید و روش‌های تازه پشت نکرده بلکه تأثیرات فرهنگ‌های دیگر را با فکر و اندیشه‌ای باز پذیرفته و مورد بررسی قرار می‌داده و نکات پر ارزش آنها را جذب و آنها را تکمیل می‌کرده‌اند (همان، ۵).

آنچه بیش از همه، هویت ملی-اسلامی ما را در عرصه‌ی جهانی، هنر در اقسام و ابعاد گوناگون آن است؛ هنری که از اعصار گذشته تاکنون، عناصر تأثیرگذارش در این سرزمین و مدمان آن ریشه دوانده است. آثار بی‌شماری در زمینه‌های گوناگون هنری توسط ایرانیان به جامعه‌ی جهانی عرضه شده است که به تعبیر پروفیسور «آرتور پوپ» محقق بلندآوازه‌ی امریکایی، هنر ایرانیان «هدیه‌ی دایمی ایرانیان به تمدن جهان» محسوب می‌شود. افزون بر زبان و ادب ایرانیان، هنرها و صنایع ویژه‌ای نیز به نام آنها ثبت شده است که مهر کمال بر آنها خورده و در هیچ جای جهان، مثل و نمونه‌ای نظیر آنها یافت نمی‌شود (رادفر، ۱۳۸۸، ۴۷). شایان ذکر است مهندسی و فن در ایران زمین همواره با علم و هنر و فلسفه و مذهب روابط ناگسستنی داشته است؛ شاید این خود یکی از دلایلی بوده که به موجب آن تاکنون سعی در تفکیک تکنولوژی از سایر شئون تاریخ تمدن ایران به عمل نیامده است. نکته‌ی مهمی که در بررسی‌های تاریخ مهندسی بخصوص در تمدن ایران، باید به آن توجه داشت، حوزه تأثیر تمدن تکنولوژیکی ایران است. شواهد و مدارک تاریخی مؤید آن است که فلات ایران و سرزمین‌های اطرافش مهد تمدن جهان بوده است؛ محدوده جغرافیایی ایران در طول زمان تغییر کرده و غالباً خاک کنونی ایران فقط جزئی از حوزه سیاسی حکومتی آن به شمار می‌آمده است. آنچه را که تمدن ایرانی می‌نامیم سنت‌هایی است که با ویژگی‌هایی به نام فرهنگ ایرانی به سرزمین حاکم بوده و در فرهنگ‌های دیگر تأثیر داشته است. بررسی و مطالعه آثار باستانی که در خاک کنونی ایران واقع شده‌اند خود می‌تواند تا حد زیادی معرف قدمت، غنات و پیوستگی سنت‌های فنی و مهندسی در تمدن ایران باشد (فرشاد، ۱۳۹۳، ۱-۲).

هنر تزیینی ایران که در دوره‌ی هخامنشیان و ساسانیان دارای صورت‌های مجلل و طرح‌های نیرومندی بود، پس از اسلام نیز به اوج خود رسید. پس از عصر ساسانی با وجود مصائب و دشواری‌های فراوان ناشی از حمله‌ی مغول، مشعل هنر ایران فروزنده‌تر و درخشان‌تر شد، به طوری که مینیاتورها و نسخ خطی نفیس خلق شده در دوره‌ی تیموریان و صفویان، اسناد بالارزشی بر این مدعاست. هنر ایران به اروپا نیز رسید، به طوری که در اواسط قرن نوزدهم میلادی، متفکران و هنرمندان اروپایی چشمگین از موج فزاینده‌ی ماشینی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

شدن که در حال فراگرفتن تمام شئون زندگی آنها بود، جنبش‌های فکری- هنری را به وجود آوردند که یکی از آنها که از جمله پیش‌قراولان هنر نو قرن بیستم در اروپا به شمار می‌رود، «نهضت هنر و پیشه^۱» در انگلستان است. «ویلیام موریس^۲» که از پایه‌گذاران این جنبش بود و همفکرانش بهترین و زیباترین بیان هنری را که می‌توانست نشانگر تفکرات اخلاقی و معنوی در مقابله با سیطره‌ی روزافزون ماشین باشد، در هنرهای تزئینی دنیای شرق به ویژه ایران اسلامی یافتند (موسوی حجازی و پورجعفر، ۱۳۸۱، ۵).

هنر اسلامی بارزترین نمود و تجلی یک تمدن اصیل و پرمایه است که غالباً از دیدگاه سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها دارای اصول و مبانی اسرارآمیز می‌باشد. هنرمند مسلمان با کاربرد خیره‌کننده‌ی رنگ و خلق تعادل و ایجاد نوعی هماهنگی شکوهمند میان طرح و فرم، هنری می‌آفریند که از قدرت تأثیرگذاری خارق-العاده‌ای برخوردار است (همان، ۱۲). هنر ایران با برخورداری از پیشینه‌ی باشکوه تاریخی و غنای فرهنگی و زیبایی‌شناسانه‌ی کم‌نظیر، در دوره‌ی اسلامی به اوج خود می‌رسد و هنرمند مسلمان ایرانی با سیر و سلوک معنوی خویش به اثر هنری روحانیت بخشیده و با سیر به جهانی ورای طبیعت محسوس، آثاری می‌آفریند که در کون و مکان نمی‌گنجد (همان، ۲۱).

از نمونه‌های عینی ایجاد شهرها و فضاها، خلاق در ایران در دوره‌های گذشته می‌توان به احیاء مجدد مفهوم شهر و سازمان شهری در دوره‌ی صفوی با هدف جبران خرابی‌ها و ویران‌گری‌های به وقوع پیوسته در حمله‌ی مغول‌ها اشاره نمود. در هجوم مغول، مظاهر و جلوه‌های تمدن برتر و عالی‌تری که در سرزمین ایران وجود داشت، مورد نفی و قهر قرار گرفت و به تبع فروپاشی شهر، روستاها و نهادهای زراعی در هم ریخته شدند و سازمان‌های آبرسانی و آبیاری در هم کوبیده گردیدند؛ نظم بدوی، نظم برتر را در هم کوبید و در نهایت، توان تولیدی سرزمین‌های مفتوحه از میان برداشته شد. به دنبال نسل‌گشی‌های وسیع، دفتر حدود چهارصدساله‌ی نهضت ادبی، علمی، هنری و فنی ایران بسته شد. بدین ترتیب با خالی شدن عرصه‌های علمی، دیوانی، هنری و فنی از سویی، و تقسیم سرزمین‌های مفتوحه در بین ایلخانان مغول سبب شد تا نزدیک به یک قرن مفهوم دولت از میان برداشته شود. اما و علی‌رغم همه‌ی ویرانی‌ها، نبود پایه‌های عمیق جهان‌بینی، فلسفی و عقیدتی مغولان سبب می‌گردد که آثار اجتماعی و فرهنگی هجوم مغول بر فلات ایران ناچیز باشد. ایلخانان مغول با تسلیم به جهان‌بینی اسلامی در هر منطقه‌ای از سرزمین‌های مفتوحه به تمدن و فرهنگ آن منطقه گردن نهادند (حبیبی، ۱۳۸۲، ۸۰).

به دنبال فروپاشی دولت متمرکز و عدم شکل‌گیری آن در نزدیک به سه قرن، حکومت صفوی با تکیه بر مفاهیم عرفانی و تعابیر و تفاسیر شریعت از نظرگاه مذهب شیعه موفق می‌شود تا پایگاه اجتماعی بسیار گسترده‌ای در خطه‌ای وسیع به دست آورد و متمرکزترین دولت ایرانی دوره‌ی اسلامی را پی نهد. دولت

1. Arts & Crafts Movement
2. William Morris

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

صفوی با تکیه بر وحدت اجتماعی کار و سلطه و حضور همه‌جانبه‌ی خود در امر تولید، تا آنجا پیش می‌رود که به یکی از قدرتمندترین و ثروتمندترین دولت‌های آن روزگاران تبدیل می‌گردد. رشد و اعتلای تولید صنعتی به ویژه صنعت نساجی به حدی است که کشورهای تازه پا گرفته‌ی اروپای آن روزگاران را در حوزه‌ی نفوذ خود می‌گیرد. جمع‌بندی ماهرانه از فلسفه، هنر، معماری و شهرسازی روزگاران کهن نیز به گونه‌ای است که خود مکتب جدیدی را در این عرصه‌ها سبب می‌گردد: «مکتب اصفهان». شکل‌گیری دولت صفوی و از آن ره، مکتب اصفهان در شهرسازی را می‌توان با سازمان‌یابی دول مرکزی و قاهر اروپایی بعد از دوره‌ی رنسانس و شکل‌گیری سبک باروک مقایسه نمود. با این مقایسه سازمان دیوانی دولت صفوی و سبک هنری ناشی از آن نسبت به سازمان دولتی و سبک هنری کشورهای اروپایی در دوره‌ی رنسانس هنوز گامی به جلو دارد. در حالی که نوآندیشان و نوپردازان دوره‌ی رنسانس در پی سازمان بخشیدن به شهر قرون وسطایی اروپایی و تحقق بخشیدن به «آرمان-شهر»‌هایشان هستند، مکتب اصفهان، الگوی آرمانی خود را به اجرا در می‌آورد و تلفیقی دقیق و روشن از موجود و مطلوب را عرضه می‌دارد (همان، ۹۵-۸۷).

۸- نتیجه‌گیری

مکان، تجلی‌گاه باورها، اندیشه‌ها، هویت و فرهنگ انسانی است. تفاوت در معنا و کارکرد مکان‌های شهری به هویت و کنش مکانی ساکنان آن جهت می‌دهد. در واقع، شهرها مرکز ثروت مادی و معنوی ملل مختلف هستند. غنای درون‌مایه‌های فکری، فلسفی و کارکردی شهرها به ویژه در آن دسته از شهرهایی که پیشینه-ی غنی در این زمینه‌ها دارند، منجر به ایجاد ساختار منحصربفردی از نظام زیست، هنجارها، کارکردها و تعاملات اجتماعی می‌گردد که هویت مکانی-سرزمینی آن خطه را رقم می‌زند. پس از انقلاب صنعتی و به دنبال آن، افزایش جمعیت و گسترده‌تر و پیچیده‌تر شدن مشکلات در جوامع شهری، مفهوم «شهر خلاق» از طرف اندیشمندان غربی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفت. در واقع، شهرهای خلاق، پاسخی به نیازهای استفاده از ایده و خلاقیت ساکنین برای توسعه در ابعاد مختلف و توجه به فرهنگ و توسعه فرهنگی می‌باشد. هر چند که این ایده در طی چند دهه‌ی اخیر به عنوان ایده‌ای نوین در جهت حل معضلات رو به افزایش شهرها به ویژه در ابعاد اقتصادی مطرح گردید، ولیکن رجوع به شاخصه‌های هویت مکانی-سرزمینی ایران و واکاوی ابعاد مختلف تمدن غنی ایرانی خاطرنشان می‌کند که خلاقیت در اداره‌ی امور شهرها و به عبارتی ایده‌ی شهر خلاق از همان اوان شکل‌گیری و بروز تمدن ایران، نه صرفاً به صورت یک تئوری و نظریه بلکه به صورت یک نظام عملکردی در این سرزمین همواره جاری و ساری بوده است؛ به گونه‌ای که زمینه‌ساز بروز مکاتب جامعی چون مکتب اصفهان در دوره‌ی صفوی بوده است.

نظریه‌پردازان شهر خلاق در دوان جدید، از نظر عملکردی بر زایش و بازتولید دو بُعد هنری و صنعتی در شهرهای دارای پیشینه‌ی مربوطه تأکید نموده‌اند. ضمن آن که مفهوم بازتولید و بازیابی پتانسیل‌های گذشته جنبه‌ی دیگری از شهر خلاق را تبیین می‌کند. از هر دو نظر یعنی هم از نظر عملکرد شهرهای

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خلاق، و هم از نظر سابقه‌ی فعالیت‌ها و وجود زمینه‌های قبلی، تمدن و هویت مکانی- سرزمینی ایران کامل-ترین و گویاترین نمونه در تجلی موارد مذکور است. به گونه‌ای که خاورشناسانی از سراسر جهان، سابقه‌ی آفرینش هنری و صنعتی در ایران را از گذشته‌های بسیار دور دانسته‌اند و این سرزمین را مهد فرهنگ و تمدن، و یکی از چند تمدن محدود جهان باستان قلمداد نموده‌اند. به گونه‌ای که بر پیشینه‌ی غنی و غیر قابل انکار مهندسی در ایران در قالب اختراعات، تئوری‌های علمی و فنی و ساخته‌ها و مصنوعات و اکتشافات اذعان نموده و آن را نه تنها زیربنای تمدن ایران دانسته، بلکه بیان نموده‌اند که همواره در طول تاریخ فرهنگ‌های دیگر را نیز بهره‌مند ساخته است. به دیگر سخن، نقش تمدن فنی و قابلیت‌های هنری ایران در شکل و تکامل تمدن و فرهنگ و هنر جهانی، نقشی بنیادی و زیربنایی است. از این رو به نظر می‌رسد تدوین ویژگی‌ها و شاخصه‌های شهر خلاق، امری است که بیش از هر جامعه‌ای، در ایران با آن پیشینه‌ی غنی تمدنی و هویت مکانی- سرزمینی مجال بحث می‌یابد، چه آن که در بسیاری از مقاطع زمانی، محل صدور این ایده به جهان، از ایران زمین بوده است.

فهرست مراجع

۱. اخوان کاظمی، مسعود و عزیزی، پروانه. (۱۳۸۹). ژئوکالچر ایرانی در شبه قاره‌ی هند: گستره‌ی جغرافیایی نفوذ فرهنگی و تمدنی ایران. فصلنامه مطالعات ملی، شماره (۳) ۱۱: صص ۱۰۰-۷۳.
۲. اشرفی، اکبر. (۱۳۸۷). مسأله‌ی هویت ایرانی در ایران معاصر. فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۱: صص ۱۰۵-۱۲۰.
۳. بنتلی، ای‌ین و همکاران. (۱۳۸۲). محیط‌های پاسخده. ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۴. بنی‌سلیم، محمد. (۱۳۸۷). جلوه‌های پیوستگی در تمدن و فرهنگ ایران. فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، شماره ۱۵: صص ۳۰-۹.
۵. پارسیان، علی. (۱۳۸۸). جستاری در عوامل فراز و فرود تمدن اسلامی. فصلنامه علوم اسلامی، شماره ۱۶.
۶. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۲). از شار تا شهر. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. داکسبری، نانسی. (۱۳۸۹). شهرهای خلاق کانادا، ترجمه شهرزاد فرزین‌پاک، ماهنامه شهرداریها، شماره ۱۰۰، صص ۸۳-۷۶.
۸. رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). بازتاب هویت ایرانی در آثار هنری و مواریت فرهنگی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی (پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی)، شماره ۱: صص ۵۸-۳۷.
۹. ربانی خوراسگانی، علی و رسول ربانی و مهدی ادیبی و احمد موذنی. (۱۳۹۰). بررسی نقش تنوع اجتماعی در ایجاد شهر خلاق و نوآور مطالعه موردی: شهر اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱۰. سلسله، علی و سلسله، محسن. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر عامل هویت ایرانی، اسلامی بر زیبایی شهر. نشریه آرمانشهر، شماره ۲: صص ۴۷-۵۸.
۱۱. شهاییان، پویان و عرفانه رهگذر، (۱۳۹۱). پیوند محیط. خلاق با شهر، مجله منظر، شماره ۱۹.
۱۲. علیمردانی، مسعود. (۱۳۸۵). سیر تحول پدیده‌ی شهرنشینی و ویژگی‌های اجتماعی شهرنشینان در اندیشه‌ی ابن خلدون. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۵۹: صص ۹۷-۱۲۲.
۱۳. فرشاد، مهدی. (۱۳۹۳). مختصری از تاریخ مهندسی در ایران، سایت اینترنتی:
<http://www.irane7000saale.com/Iranology-Download-PDF.htm>
۱۴. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.
۱۵. قربانی، رسول؛ حسین‌آبادی، سعید و طورانی، علی. (۱۳۹۲). شهرهای خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه شهری، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره یازدهم، بهار، صص ۱-۱۸.
۱۶. کاویانی راد، مراد و عزیزی کاوه، علی. (۱۳۹۰). نقش هویت مکانی در بروز گنش سیاسی مطالعه موردی: میدان و خیابان انقلاب شهر تهران. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۱۷(۲۰): صص ۱۶۷-۱۵۱.
۱۷. کلانتری، بهرنگ و وحید یارقلی و اکبر رحمتی. (۱۳۹۱). فضای جمعی و شهر خلاق، مجله منظر، شماره ۱۹.
۱۸. لوکاس، هنری. (۱۳۸۲). تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر سخن
۱۹. محمودی، طیبه. (۱۳۹۳). هویت آیین‌های هسته‌ی مدنی ایران. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره ۵۳: صص ۷۹-۹۰.
۲۰. مختاری ملک‌آبادی، رضا؛ سقایی، محسن و ایمان، فاطمه. (۱۳۹۳). سطح‌بندی مناطق پانزده‌گانه‌ی شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۶، صص ۱۰۵-۱۲۰.
۲۱. مرتضوی، مهدی. (۱۳۸۹). مطالعه‌ی تطبیقی جوامع شهرنشین جنوب شرق ایران و دره هند. فصلنامه مطالعات شبه قاره، شماره ۲: صص ۱۱۱-۱۳۹.
۲۲. موسوی، میرنجف. (۱۳۹۳). رتبه‌بندی محلات شهر سردشت از نظر حرکت به سوی خلاقیت با تأکید بر تحقق شهر خلاق با استفاده از تاپسیس و ANP، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۰، صص ۱۹-۳۸.
۲۳. موسوی حجازی، بهار و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۱). تأثیرپذیری نهضت هنر و پیشه انگلستان از هنر اسلامی ایران. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲: صص ۴-۲۲.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۲۴. نقی زاده ، محمد. (۱۳۸۶). ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو اسلامی اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

۲۵. هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۸۱). نظریه برخورد تمدان‌ها. ترجمه مجتبی امیری وحید. تهران: وزارت امور خارجه.

26. Coletta, C. (2008). *Fostering the Creative City. CEOS for cities.*
27. Costa, J. Seixas and A. Roldão. (2009). from 'Creative Cities' to 'Urban Creativity? Space, Creativity and Governance in the contemporary City, City Futures'09 - "City Futures in a Globalizing World" EURA/UAA Conference, 4-6 June 2009. Madrid, Spain.
28. Cuningham, S. D. (2002). From cultural to creative industries: theory, industry, and policy implications. *Quarterly Journal of Media Research and Resources*, 54-65.
29. Duxbury, Nancy. (2004). *Creative Cities: Principles and Practices* Canadian Policy Research Networks Inc, Ottawa.
30. Evans, G., (2009). Creative cities, creative spaces and urban policy, *Urban Studies*, 46(5-6), 1003-1040.
31. Florida, R. (2002). *The rise of the creative class.* New York.
32. Hall, P. (2000). Creative cities and economic development. *Urban Studies*, No. 37(4), pp. 639-649.
33. Healey, P. (2004). "Creativity and Urban Governance", *Policy Studies*, 25(2), pp. 87- 02
34. Rossiter, N. (2006). Creative industries in Beijing: Initial Thoughts. *Leonardo*, No. 39, 367-370.
35. Simeti, M. (2006). *The creative city: moving from ideas to planning practice*, Massachusetts Institute of Technology.
36. Zielke, Philipp and Waibel, Michael. (2014). Comparative urban governance of developing creative spaces in China, *Habitat International*, No. 41, pp. 99-107.